

نامه سرگشاده نهضت آزادی ایران

به

دبیران کل جبهه مشارکت ایران اسلامی و جمعیت مؤتلفه اسلامی

قل لعبادی یقولوا التی هی احسن (اسراء-۵۳)

جناب آقای حبیب‌الله عسکراولادی مسلمان دبیرکل جمعیت مؤتلفه اسلامی
جناب آقای دکتر محمدرضا خاتمی، دبیرکل جبهه مشارکت ایران اسلامی

با سلام و آرزوی توفیق همگان در جلب رضایت خداوند قادر متعال و خدمت به ایران و اسلام نهضت آزادی ایران با دقت و علاقه نامه‌های مبادله شده میان دبیران کل دو حزب بزرگ و موثر در درون حاکمیت را پیگیری کرده است. برقراری چنین گفتگوهایی میان رهبری حزب اکثریت اصلاح‌طلبان و رهبری حزب اقلیت، اما نیروی محرک و محور اصلی جناح محافظه‌کاران، اگر اراده اصلاح و تغییر مشی در رهبری هر دو جریان اقلیت و اکثریت وجود داشته باشد، می‌تواند موجب کاهش تنش‌های سیاسی موجود گردد. علاوه بر این نهضت آزادی مکاتبات بین دبیران کل دو حزب را، در حضور ملت مفید و آموزنده می‌داند. هم واقعیت‌ها و حقایق از خلال بحث‌ها و تضارب نظرات برای مردم روشن‌تر می‌گردد و هم طرفین مجبور به اتخاذ مواضع منطقی در برابر میلیون‌ها نفر می‌گردند و می‌توان امیدوار بود اتخاذ منطقی بر عملکردهای واقعی طرفین در عمل سیاسی نیز اثر گذار باشد و رفتارهای خشونت‌گرا و قانون‌گریز و به دور از انصاف تعدیل گردد. در این گفتگوها، آنچه مهم و مطلوب است، رفع اختلافات نیست بلکه نهادینه شدن فرایند گفتگو برای فهم بهتر محدوده اختلافات و همکنشی‌های بهداشتی برای کاهش تشنجات سیاسی نامطلوب کنونی است. برای موثر بودن هر چه بیشتر این گفتگوها، شرط لازم آن است که طرفین از به کارگیری زبان تهمت و افترا و برچسب زدن به یکدیگر پرهیز نمایند.

معیارهای ما در ورود به این گفتگوی سیاسی قبل از هر چیز باورهای قرآنی است. آموزه‌های اصیل این کتاب آسمانی، گفتگو میان گروه‌های مختلف انسانی، با اندیشه‌ها و باورهای متنوع و متضاد را، به جای جنگ و خشونت و تقابل‌های خصمانه، اصل می‌داند و مسلمانان و مؤمنان را حتی به گفتگو با اهل کتاب و کفار فرامی‌خواند. قرآن کریم وجود اختلاف در افکار و آرای آحاد و گروه‌های جامعه انسانی را به رسمیت می‌شناسد و تضارب آرا و عقاید را موثرترین و سالم‌ترین راه دستیابی اگر چه نسبی به حقیقت می‌داند. در محیط رعب و وحشت و جو غوغاسالاری، حق و حقیقت بزرگترین مظلوم و اولین قربانی است.

در جو آرام و مدنی، حق فرصت ارایه خود را به وجدان‌های بیدار و آگاه مردم می‌یابد. به عکس باطل با غوغاسالاری و خشونت و برهم زدن قواعد گفتگوی مدنی راه کشف حقیقت را بر فطرت‌های خداگونه انسان‌ها، می‌بندد. بنابراین، هنگامی که دو حزب سیاسی بزرگ رقیب به رغم اختلافات و تقابل‌ها، گفتگوی سیاسی را آغاز می‌کنند، دریچه‌های امیدی برای پایان یافتن دوره استفاده از ابزارهای خشونت برای تحقق هدف‌های سیاسی باز می‌شود و ما براساس آموزه‌های قرآنی، از آن استقبال می‌کنیم.

اما انگیزه نهضت آزادی ایران در استقبال از این گفتگو و نگاشتن این نامه سرگشاده به هر دو حزب و تمام احزاب و گروه‌های سیاسی، اولویت دادن به منافع و امنیت ملی کشورمان است.

نهضت آزادی ایران بر این باور است که نهادها و نیروهای سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، اعم از اکثریت یا اقلیت، درون یا بیرون از حاکمیت، با انسدادهای جدی سیاسی فرهنگی، اقتصادی، و اخلاقی در سطح جامعه روبرو هستند و نظام جمهوری اسلامی دچار وضعیت بحرانی تعادل ناپایدار گردیده است.

ادامه انسداد و استمرار تعادل ناپایدار کنونی قطعاً به زیان و ضرر کشور است و اگر چاره‌ای اندیشیده نشود، موجب فروپاشی سیاسی، جغرافیایی، فرهنگی و اجتماعی کشور و زوال اقتدار دولت و، خدای ناکرده، وارد شدن ضربات جبران‌ناپذیر به تمامیت ارضی کشورمان خواهد شد. از طرف دیگر این انسداد سیاسی و تعادل ناپایدار در شرایطی بروز کرده است که خطرات جدی خارجی کشورمان را تهدید می‌کند، بنابراین نگرانی‌ها باید به مراتب جدی‌تر باشد. در کشورهای همسایه ما تغییراتی صورت گرفته است که به طور مستقیم و غیرمستقیم با امنیت و منافع ملی کشورمان سر و کار دارد. تداوم این تغییرات، بدون تردید، بر وضعیت امنیتی ایران نیز اثرگذار خواهد بود.

به نظر نهضت آزادی ایران، هیچ ایرانی وطن‌دوستی نمی‌تواند ناظر بر وضعیت شکننده‌ای که کیان کشورمان را تهدید می‌کند، باشد ولی گامی برای تغییر آن برندارد. هستی ملت و مملکتی همچون شمع می‌سوزد و وجودش در حال ذوب شدن است.

برای برون‌رفت از این انسداد، دو راه حل اساسی قابل تصور است: از دورن نظام جمهوری اسلامی و یا از خارج نظام.

نهضت آزادی ایران، راه برون‌رفت از انسدادها و تعادل ناپایدار، با جایگزین‌سازی از بیرون مرزها یا عبور از جمهوری اسلامی را به سود مصالح و منافع کلان ملی نمی‌داند و هیچ یک از پیامدهای آن را در خدمت منافع ملی و یا به سود هیچ گروه ملی، اعم از اسلامی، غیر دینی و یا حتی ضددینی نمی‌بیند و بنابراین، همه نهادها و احزاب و گروه‌های سیاسی را به قبول راه‌حل‌های برون‌رفت از انسدادها از درون نظام جمهوری اسلامی و تن در دادن به پیامدهای آن دعوت می‌کند.

گروه‌های سیاسی‌ای که خود را خدمتگذار ایران و اسلام، وفادار به نظام جمهوری اسلامی و مدافع مصالح کلان ملی می‌دانند، علی‌القاعده باید راه‌حل برون‌رفت از انسدادها از درون نظام را بپذیرند.

اگر بپذیریم که مقدمه هر کار واجبی واجب است، مقدمه اجتناب‌ناپذیر برون‌رفت از انسدادها از درون نظام جمهوری اسلامی، مقابله با تهدیدات خارجی و کاهش تشنجات با تمکین از قانون و گفتگو میان تمامی گروه‌ها و احزاب سیاسی نیز یک واجب ملی و دینی است. پذیرش این راه‌حل به شهامت و جسارت تصمیم‌گیرندگان و مسئولان طراز اول کشور و همه نهادها و نیروهای سیاسی نیازمند است، حتی اگر این

پذیرش مستلزم عقب‌نشینی نسبی از مواضع (با حفظ اصول) و از دست دادن برخی از موقعیت‌ها و امکانات برای نهادها، گروه‌ها و احزاب سیاسی باشد.

نهضت آزادی ایران پیشنهاد می‌کند که گفتگو و تعامل میان نیروهای سیاسی بر گرد محور التزام به قانون اساسی باشد. برخی از نیروها و احزاب سیاسی، از جمله جمعیت مؤتلفه اسلامی، مرتباً اعتقاد به قانون اساسی را به عنوان پیش شرط حضور و فعالیت احزاب و گروه‌ها تبلیغ می‌کنند. چنین موضع سیاسی از نظر منطقی ناصواب و از نظر عملی هم غیرممکن می‌باشد، اگر به مشروح مذاکرات مجلس بررسی پیش نویس قانون اساسی، معروف به مجلس خبرگان، در سال ۱۳۵۸ رجوع شود، ملاحظه می‌گردد که کمتر اصلی از اصول قانون اساسی اتفاق آرا به تصویب رسیده است. نمایندگانی که در آن مجلس به برخی از اصول قانون اساسی رأی نداده‌اند لابد به آن اصول اعتقاد نداشته‌اند. بررسی مشروح مذاکرات مجلس یاد شده، خصوصاً به هنگام بررسی و تصویب اصول مصرح در فصل سوم، (حقوق ملت)، فصل پنجم (حاکمیت ملت) و فصل هفتم (شوراها)، به وضوح نشان می‌دهد که در میان اعضای آن مجلس دو نگرش اساسی متفاوت نسبت به ماهیت و ساختار جمهوری اسلامی وجود داشته است. یک نگرش به جمهوریت تام و کلیه الزامات آن و گروهی دیگر به «حکومت اسلامی» در چارچوب تجارب و مناسبات سیاسی تاریخی، عنایت و اعتقاد داشته است. به عنوان مثال، هنگام بحث درباره اصل ۲۶ قانون اساسی، در مورد فعالیت آزاد احزاب سیاسی، این دو نگرش در برابر هم قرار گرفتند. یک گروه از نمایندگان مجلس خبرگان معتقد بودند که در جمهوری اسلامی حتی احزاب کمونیست، در صورت التزام به قانون اساسی و تبعیت از نظم جدید، حق حیات دارند و می‌توانند به موجب اصل ۲۶ قانون اساسی آزادانه فعالیت داشته باشند. اما گروه دیگری از نمایندگان نه تنها با چنین حقی به شدت مخالفت کردند، بلکه تحزب، اعم از اسلامی یا غیر آن، را اصولاً ضداسلامی می‌دانستند. اما وقتی بحث پیرامون این اصل به پایان رسید و رای‌گیری شد، اصل ۲۶ با اکثریت قابل توجهی به تصویب رسید. پس از این مرحله، یعنی تصویب اصل یادشده، با رعایت موازین مورد قبول همه اعضای مجلس خبرگان، همه، از جمله مخالفان، که اعتقادی به آن اصل نداشتند و لذا به آن رای مثبت ندادند، باید خود را ملتزم به قانون بدانند. حتی اگر یکی از مخالفان اصل ۲۶ در آن مجلس، به ریاست قوه قضاییه هم منصوب شود، ملزم به اجرای قانون مصوب است و نباید نظرات و اجتهادهای شخصی که در آن مجلس، مطرح کرد ولی مورد قبول اکثریت نمایندگان قرار نگرفت، اعمال نماید.

بنابراین، در نظام جمهوری اسلامی، اصل راهبردی برای قوای سه‌گانه، و تمام نهادها، گروه‌ها و احزاب سیاسی باید «تعهد» و «التزام» به قانون اساسی باشد و نه «اعتقاد». متأسفانه در لایحه اصلاح قانون انتخابات، بر اعتقاد به قانون اساسی تأکید شده است.

نکته ضروری دوم عبارت از این است که برای هموار ساختن راه گفتگو و مفید و موثر بودن آن در جهت کاهش تشنج‌ها و توافق بر سر برون رفت از انسداد کنونی، همه نهادها، گروه‌ها، جناح‌ها، جریان‌ها و احزاب سیاسی متعهد به منافع ملی باید هرگونه عمل فراقانونی و اعمال خشونت به عنوان ابزار کار سیاسی، از جانب هر کس و هر گروهی، را قویاً محکوم کنند.

جناب آقای حبیب‌الله عسگر اولادی

جناب آقای دکتر محمدرضا خاتمی

نهضت آزادی ایران، با استقبال از ابتکاری که به خرج داده‌اید و با علم و آگاهی کامل نسبت به اختلافات و مرزبندی‌های اساسی میان مبانی اعتقادی و مواضع سیاسی خود با سازمان‌های تحت رهبری شما و با حفظ مواضع خود، به منظور توسعه فرهنگ گفتگو سیاسی در راستای هموار ساختن راه برون رفت از انسدادهای تهدید کننده، با نوشتن نامه حاضر به این فرایند وارد می‌شود و همه احزاب و گروه‌های سیاسی را برای مشارکت در این گفتگوی دعوت می‌کند. در صورتی که مفاد این نامه سرگشاده مورد توجه جدی و عملی قرار گیرد، نهضت آزادی ایران آمادگی خواهد داشت که به منظور شفاف‌تر شدن هر چه بیشتر مواضع گروه‌ها و ارتقاء سطح آگاهی ملت، نظرات انتقادی خود را پیرامون مواضع سیاسی و فکری و عملکرد هر دو حزب مطرح سازد و از طرح هر گونه نقد عالمانه و محققانه از مواضع و عملکرد نهضت آزادی نیز استقبال خواهد کرد.

از آنجا که نامه‌نگاری موثرترین روش برای تعامل بهداشتی میان نیروها و احزاب سیاسی گوناگون نمی‌باشد، نهضت آزادی ایران خانه احزاب را جایگاه مناسبی برای تداوم این نوع گفتگوها می‌داند و از شما، به عنوان رهبران دو حزب اقلیت و اکثریت دعوت می‌کند که همه امکانات خود را برای یاری دادن به خانه احزاب در ایجاد فضای مناسب برای گفتگوهای چند جانبه میان تمامی احزاب سیاسی، به منظور کاهش تنش‌جات و هموار ساختن راه برای تحقق وفاق ملی، به کار گیرند.

دکتر ابراهیم یزدی

دبیرکل نهضت آزادی ایران